

جلسه ۴۳-۷۵۶

سه‌شنبه - ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

- ۱..... کلام آیه‌الله سیستانی در مناط جهر و اخفات
- ۲..... اشکال
- ۳..... کلام مرحوم حاج شیخ در مناط جهر و اخفات
- ۴..... اشکال
- ۴..... مقتضای اصل عملی در مقام
- ۵..... حکم قرائت شخص مبجوح
- ۶..... تتمه مسأله ۲۷: مناط صدق قرائت
- ۶..... بررسی روایت "لابأس الا یحرک لسانه"
- ۷..... مسأله ۲۸: صوت خارج از معتاد

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الأرضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

راجع به ملاک جهر و اخفات مطلبی باقی مانده عرض کنم:

ما عرض کردیم اجهار جوهر صوت کافی است برای صدق جهر. جهر یعنی آشکار کردن صدا در مقابل اخفات و اسرار و اخفاء یعنی پنهان کردن صدا. ما عرض کردیم همین که جوهر صوت ظاهر شد و لو با حالت خفیف صدق می‌کند که جهر بالقراءة. همان‌طور که صاحب عروه دارد، امام دارند، آقای حکیم دارند. منتها فرق ما با این بزرگان در این بود که می‌گفتیم صوت شبیه مبجوح هم بعید نیست جهر باشد، آنی که جوهر صدایش را آشکار نمی‌کند ولی چنان شدید حرف می‌زند که از راه دور هم شنیده می‌شود. ولی اگر اظهار جوهر صوت بشود به هر نسبتی ما قبول کردیم که این صدق می‌کند جهر و اخفات صدق نمی‌کند.

کلام آیه‌الله سیستانی در مناط جهر و اخفات

اما آقای سیستانی در تقریرات یک تعریفی کردند برای جهر و اخفات ممکن است بگوییم جهر شامل مطلق اظهار جوهر صوت نمی‌شود باید اظهار جوهر صوت همراه با اسماع بعید باشد. اسماع بعید ایشان فرموده جهر است، اسماع قریب یا اسماع خود گوینده اخفات است. اگر کسی جوهر صوتش بیرون بیاید ولی اسماع بعید نکند طبق این تعریف آقای سیستانی جهر صدق نمی‌کند. البته ایشان فرموده‌اند این تعریف که اسماع البعید هو الجهر تعریف به معرف اجلاء نیست، این معرف اجلی از معرف نیست چون بُعد، مراتب دارد کدام مرتبه از بعد مراد است، پنج متر دور باشد هفت متر دور باشد

ده متر دور باشد. و لذا ارجح این است که احاله بدهیم معنای جهر و اخفات را به عرف. همان کاری که آقای خوئی هم کرد.

صریحا فرمودند نه ایشان نه آقای خوئی که مطلق اظهار جوهر صوت جهر نیست ولی با این بیانی که دارند ممکن است تشکیک بشود در صدق جهر بر مطلق اظهار جوهر صوت چون می گویند اسماع البعید هو الجهر. و ممکن است کسی همان طور که بعضی از آقایان دیروز مطرح می فرمودند ممکن است کسی این را تایید کند بگوید جهر یعنی آشکار کردن صدا، اخفات یعنی پنهان سخن گفتن، من در گوش دوستم می خواهم حرف خصوصی بزنم ولی اجهار جوهر صوت هم می کنم به این نمی گویند اجهر اعلن، اعلان، آشکار کردن.

اشکال

ما به نظرمان می آید که اجهار کل شیء بحسبه، وقتی در نماز می گویند قرائت جهریه یا قرائت اخفاتیه، وقتی می گویند قرائت نماز صبح را آشکار بخوان ظهور ندارد در این که مثل این است که به یک شخصی بگویند آشکار سخن بگو تا دیگران متوجه بشوند. "آشکار سخن بگو تا دیگران متوجه بشوند" قرینه داریم که آنقدر صدایت را بلند بکن تا دیگران بشنوند. اما وقتی می گویند نماز صبح را اجهار کن در قرائتش یعنی آشکار کن قرائت آن را، نماز ظهر را قرائتش را آشکار نکن پنهان کن. در نماز ظهر یعنی باید دیگران که یک مقدار از من دور هستند صدای من را نشوند؟ جوهر صوت ندارم ولی بالاخره برای این که حروف از مخرج اداء بشود یا گاهی سروصدا است بفهمم و مطمئن بشوم درست اداء کردم یک مقدار با تامل می گویم سبحان الله و الحمد لله [به شکل بیصدا] این اخفات نیست چون بعید شنید؟ اگر این اخفات است حالا من جوهر صوت را خارج کنم به همین مقدار که به گوش افرادی که سبحان الله را می گفتم و جوهر صوت نبود به آنها می رسید حالا قرائت رکعت اول و دوم را هم به گوش همانها می رسانم بدون اخراج جوهر صوت، این جهر نیست؟ یعنی اگر من نماز صبح بخوانم نخواهم دیگران بیدار شوند که در اطراف من خوابیده اند، بم صدایم را پایین بیاورم ولی اظهار جوهر صوت می کنم، این عرفا نمی گویند اجهر فی قرائته؟ یعنی اگر من بیایم بگویم بسم الله الرحمن الرحیم [با صدای پایین] این اخفات است؟ عرفی نیست این اشکال. به نظر ما مطلق اظهار صوت در قرائت جهریه نماز عرفا مصداق جهر در قرائت است.

[سؤال: ... جواب:] جوهر صوت خارج بشود از حنجره انسان نمی شود کسی نشنود. ممکن است بگوییم بعید نشنید، اسماع البعید هو الجهر، بله اسماع بعید ممکن است نشود ولی آیا بگوییم حتی قریب هم نشنود، نخیر نمی شود، ما امتحان هم کردیم، نمی شود قریب آنی که کنار انسان است نشنود. ... یعنی من اگر نماز صبح می خوانم جایی که مردم خوابند باید جوری نماز صبح بخوانم که همه بیدار بشوند، مزاحم آنها بشوم؟ بطور طبیعی می گویم بسم الله الرحمن الرحیم [با صدای پایین]. اکثر این جوانها خجالت می کشند که با صدای بلند نماز بخوانند. حالا روحانیون یا افراد مسن که به خودشان

قرائت ۳

مطمئن هستند، صف‌های اول جماعت هستند ممکن است با صدای بلند می‌خوانند اما نوع جوان‌ها مخصوصاً پیش پدر و مادرشان این‌ها اقل مراتب جهر را رعایت می‌کنند، نزدیکش بروی صدایش را می‌شنوی ولی وقتی چند متر آن طرف‌تر هستی صدایش را نمی‌شنوی، بگوییم این لم یقرأ جهر؟ این به نظر عرفی نمی‌آید.

[سؤال: ... جواب:] در قرائت عند العامة که باید قرائت بکند انسان، روایت دارد که اخفاتا بخوان اگر اخفاتا هم اطرافیان متوجه می‌شوند و خلاف تقیه است حدیث نفس بکن.

[سؤال: ... جواب:] نمی‌شود گفت در این‌جا ما تحت تاثیر فتوی مراجع یا تربیت خانوادگی هستیم. ما به ذهن‌مان می‌آید که اگر به ما بگویند تو با صدای بلند نماز صبح بخوان، قرائت نماز صبح را آشکار بکن، قرائت نماز ظهر را پنهان بکن که معنای جهر یعنی آشکار کردن و معنای اخفات یعنی پنهان کردن می‌گوید آشکار کردم دیگر، آیا آشکار کردن یعنی به گوش کسانی که ده متر آن طرف‌تر هستند برسد؟ بله اگر تناسب حکم و موضوع این است که آشکار کن تا دیگران متوجه سخن تو بشوند آن مناسب حکم و موضوع معنای دیگری می‌دهد به لفظ اما در این‌جا که مراد این نیست.

بعضی‌ها در پنهان کردن هم اشکال می‌کنند می‌گویند "اگر اطرافیان بطور طبیعی بشنوند که ما داریم تسبیحات اربعه می‌خوانیم این پنهان کردن نیست، پنهان کردن این است که تا دقت نکنند، لب‌خوانی نکنند متوجه نشوند ما چیزی می‌خوانیم".

خب این‌که تکلیف ما لایطاق است. جوری من اخفات بکنم که آن‌هایی که اطراف من نشستند اگر دقت نکنند متوجه نشوند من چیزی می‌خوانم، این تکلیف ما لایطاق است. آقای سیستانی هم این را نگفتند آقای سیستانی گفتند الاخفات هو اسماع نفسه او اسماع القریب، و الجهر اسماع البعید.

کلام مرحوم حاج شیخ در مناط جهر و اخفات

مرحوم آقای حائری در تعلیقه عروه یک عبارتی دارند و همین‌طور مرحوم آقای گلپایگانی، ذیل عبارت صاحب عروه که می‌گوید الجهر اظهار جوهر الصوت و الاخفات عدمه، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری فرمودند الاحوط اعتبار عدم سماع البعید فی الاخفات. شاید همان صوت مبجوح را می‌خواهند خارج کنند، کسی جوری بدون جوهر صوت می‌خواند اما جوری می‌خواند ده‌ها متر آن طرف‌تر می‌شنوند، الاحوط اعتبار عدم سماع البعید فی الاخفات و سماع القریب فی الجهر، آقای حائری این‌جور دارند و سماع القریب نفس الكلمات و الحروف الجهر كما عليه السيرة العملية. جهر این است که آنی که نزدیک ماست صرفاً مهمه نشنود، کلمات و حروف را هم بشنود، و الا اگر کمتر از این باشد خلاف احتیاط است. شاید ایشان می‌خواهند بگویند مطلق اظهار جوهر صوت کافی نیست هم اظهار جوهر صوت باشد هم کسی که نزدیک ما نشسته است نفس کلمات و حروف را بشنود تا صدق کند جهر و سیره عملیه هم بر این هست.

اشکال

ما می‌گوییم لایبعد، استظهار عرفی می‌کنیم ولی بالاخره جای بحث هست که مطلق اظهار جوهر صوت ملازم است با سماع قریب مگر جایی باشد که سروصدا هست جایی که بی سروصدا هست اظهار جوهر صوت مساوی است با سماع قریب نسبت به حروف و کلمات. این که ما بگوییم اظهار مطلق جوهر صوت کافی نیست خلاف ظاهر است.

مقتضای اصل عملی در مقام

ولی حالا اگر شک کردیم با این صحبت‌ها شک کردیم طبق عرض ما مقتضای قاعده احتیاط است، قاعده اشتغال جاری می‌شود. بلکه حتی به نظر کسانی که معتقدند در شبهه مفهومی در مثل جهر و اخفات اصل برائت هست، چون علم اجمالی هست باید احتیاط کرد. شما علم اجمالی دارید که این اظهار جوهر صوت در این مرتبه پایین، یا جهر نیست پس نماز صبح را نمی‌توانید این جور بخوانید یا اخفات نیست نماز ظهر را نمی‌توانید این طور بخوانید. این احتمال که بگوییم شاید اظهار جوهر صوت در حد پایین نه جهر باشد نه اخفات، این خلاف وجدان عرفی است که صوت را از مقسم بودن برای جهر و اخفات خارج کنید بگویید قسم ثالثی داریم که لاجهر و لاخفات.

[سؤال: ... جواب:] صوت مبوح را ما جهر می‌دانیم. گفتیم یا جوهر صوت آشکار بشود یا رفع صوت بکنیم که به بسیار بعید هم برسد که شبیه صوت مبوح است او هم جهر است. جهر یعنی آشکار کردن. مرحوم آقای بروجردی عرض کردم در درس‌شان نمی‌دانم در مسجد اعظم بود یا عشقعلی بود، اگر مسجد اعظم بود که خیلی فضا بزرگ است، بلندگو هم نبود، بسم الله الرحمن الرحیم را به شکل مبوح بیان کردند بدون این که جوهر صوت‌شان خارج بشود، به جوری که آخر مسجد هم شنیدند، این جهر است، جهر یعنی آشکار کردن صدا. ... جامع می‌خواهیم چکار؟ جهر یعنی آشکار کردن، دو مصداق دارد آشکار کردن: یک مصداقش اظهار جوهر صوت است، یک مصداقش اسمع بعید است، اسمع بعید عرض کردم تعریف دقیقی نیست، قدرمقیقش آن‌هایی هستند که خیلی بعید باشند.

[سؤال: صوت مبوح از جهتی جهر است و از جهتی اخفات. و ممکن است بگوییم در نماز جهریه واجب است که مطلقا اخفات نباشد لذا صوت مبوح کافی نیست. جواب:] یعنی هم جهر است هم اخفات؟ خیلی خلاف ظاهر است بگوییم هم جهر است هم اخفات. حالا نه جهر است نه اخفات ممکن است ضدان لهما ثالث باشد، اما هم جهر باشد هم اخفات این عرفا یعنی اجتماع ضدین به نظر عرف. ... از کدام جهت انصراف دارد؟ ... حالا ممکن است آن اشکال دیگری داشته باشد که می‌رسیم که رفع صوت رفعا شدیداً اشکال دارد چون در موثقه سماعه گفت و لا ترفع صوتک رفعا شدیداً، آن جهر است، آیه را تفسیر کرده و لا تجهر بصلاتک الجهر ان ترفع صوتک رفعا شدیداً، باید به آن حد نرسد. او بحث دیگری است.

قرائت ۵

[سؤال: ... جواب:] مباحوح معمولاً رفع شدید می‌کند. ... با صدا داد زدن؟ آنقدر شدید بگویند که تا آخر مسجد صدایش برسد، مباحوح این است.

حکم قرائت شخص مباحوح

راجع به خود کسانی که مباحوح هستند، بعضی‌ها تارهای صوتی‌شان را عمل می‌کنند صدایش خارج نمی‌شود مگر همین‌جوری حالت اخفات است، به معنایی ظهور جوهر صوت نیست، ولی این‌ها از راه دور می‌خواهند صحبت کنند رفع صوت می‌کنند. اگر کسی بگوید جهر ظهور جوهر صوت است این‌ها اصلاً متمکن از جهر نیستند.

محقق همدانی گفته جهر این‌ها همین است، جهر مباحوح یعنی کسی که تمکن ندارد از اظهار صوت، جهرش همین است: رفع شدید صوت به جوری که به بعید برسد. آقای سیستانی اشکال کردند گفتند یعنی می‌گویند جهر معنای نسبی دارد، جهر غیر مباحوح اظهار جوهر صوت است، جهر مباحوح رفع شدید صوت است که به بعید هم برسد، این عرفی نیست. چرا عرفی نیست؟

[سؤال: ... جواب:] ما که گفتیم احدهما کافی است برای صدق جهر ولی آقای محقق همدانی که می‌گویند کافی نیست برای صدق جهر شبیه صوت مباحوح ایجاد کردن، فقط برای مباحوح که مبتلا به بیماری است، او اگر رفع صوت کند صدق می‌کند جهر، چه اشکالی دارد. شبیه قیام، قیام جوان با قیام پیرمرد قدخمیده یکی است؟ قیام پیرمرد قدخمیده به این است که یک مقدار بیاید بالاتر از آنی که هست، ولی اگر همین جوان هم به شکل همین پیرمرد بخواهد قیام کند می‌گویند برو دنبال کارت این چه قیامی است، ادای پیرمرد را درنیاور. اشکالی ندارد، خود ایشان هم ملتزم بود به این مطلب که قیام کل شخص بحسبه.

[سؤال: ... جواب:] شما پیرمردهای صد ساله را حساب می‌کنید. قدخمیدگی مراتب دارد، به حد رکوع نرسیده. ... پیرمرد انتصاب یعنی صاف نمی‌تواند بایستد اما به رکوع هم نرسیده خمیدگی‌اش نمی‌شود؟ آدم که یک روزه ناگهان عین درختی که خمیده می‌شود که نیست، یواش یواش خمیده می‌شود. ... بحث ما در پیرمردی است که قبل از مرتبه رکوع می‌تواند قیام کند ولی قیام متعارف نیست، اقل از متعارف، می‌گوییم آقای سیستانی! شما خودتان فرمودید قیام هذا بحسبه، قیام غیر پیرمرد بحسبه.

[سؤال: ... جواب:] شما می‌گویید زن علم اجمالی ندارد. کلام در این است که بر زن می‌گویند هیچ کجا جهر واجب نیست، بسیار خوب، شک می‌کنیم که آیا این جهر است یا جهر نیست اگر مثل محقق همدانی و ما قائل نشدیم که این‌جا مجرای قاعده اشتغال نیست مجرای برائت بود، در مورد زن اصل بلامعارض جاری است چون قطعاً جهر بر او هیچ‌کجا واجب نیست، امر دائر است که اخفات بر او واجب است یا جایز است، امر دائر است که این مرتبه اخفات باشد یا جهر باشد، اگر جهر است

۶ مسائل

جایز نیست این مرتبه در قرائت نماز ظهر و عصر و در تسبیحات، برائت جاری می‌کنیم از مانعیت این مرتبه از اظهار جوهر صوت در نماز ظهر و عصر و تسبیحات اربعه. این اصل با چیزی تعارض نمی‌کند نسبت به زن‌ها. اگر گفتیم مجرای برائت است، در مورد زن‌ها این اصل بلامعارض هست.

[سؤال: ... جواب:] بناء بر این که مورد، مورد قاعده اشتغال نیست مثل آقای خوئی عمل کردیم، مثل آقای تبریزی عمل کردیم می‌گفتیم مورد مورد اصل برائت است، شبهه مفهومی است، موردش اصل برائت است، آقا می‌فرمایند راجع به زن‌ها علم اجمالی نیست فقط راجع به مردها علم اجمالی است. ... ما که مشکلی نداریم ما که قاعده اشتغالی هستیم، آقا می‌گویند طبق این نظر که آقای خوئی و آقای تبریزی قائل شدند که در شبهه مفهومیه جهر و اخفات اصل برائت جاری است زن‌ها علم اجمالی پیدا نمی‌کنند. ... حالا بحث مباحث است یا بحث اظهار جوهر صوت است؟ اظهار جوهر صوت زن می‌گوید نمی‌دانم جهر است تا در نماز ظهر و عصر نتوانم اجماع صوت بکنم یا اخفات است که همه جا بتوانم این کار را بکنم، این جا علم اجمالی نیست حق با شما است نظر به مردها داشتیم که گفتیم علم اجمالی داریم.

[سؤال: ... جواب:] علم اجمالی به وجوب یا استحباب که منجز نیست. حالا اگر کسی برائت از استحباب را جاری بداند [یک چیزی]، ما برائت از استحباب را قبول نداریم.

تمه مسأله ۲۷: مناط صدق قرائت

راجع به مسأله ۲۶ که عرض کردیم در صدق قرائت اسماع لولا المانع همین که اسماع لولا المانع می‌کند به گوش خودش می‌رساند یا به گوش کسی که نزدیک او است می‌رساند صدق می‌کند قرائت.

بررسی روایت "لابأس الا یحرک لسانه"

یک روایتی هست می‌گوید همین هم لازم نیست. صحیحه علی بن جعفر سألته عن الرجل یصلح له ان یقرأ فی صلاته و یحرک لسانه بالقراءة فی لهواته؟ (لهوات جمع لهوة است یعنی سقف دهان) من غیر ان یسمع نفسه، می‌تواند انسان در نماز تحریک بکند لسانش را به قرائت در سقف دهانش بدون این که حتی خودش بشنود، قال علیه السلام لابأس ان لا یحرک لسانه، حتی تحریک لسان هم نکند مانعی ندارد، تحریک لسان هم لازم نیست. علی بن جعفر گفت یحرک لسانه بالقراءة من غیر ان یسمع نفسه جواب این است که لابأس ان لا یحرک لسانه یتوهم توهما، فقط تصور بکند اخطار به قلب بکند. دیگر مخارج نمی‌خواهد، راحت می‌شوند همه امت. تهذیب جلد ۲ صفحه ۹۷.

آقای بروجردی نقل شده که فرمودند در بعض نسخ تهذیب دارد لابأس الا ان لا یحرک لسانه، اشکال ندارد اسماع نفس نکند ولی اگر تحریک لسان هم نکند او اشکال دارد. باید تحریک لسان بکند، ولی اسماع نفس لازم نیست.

قرائت ۷

[سؤال: ... جواب:] یتوهم توهمما، همین که اسماع نفس نکند می شود یتوهم توهمما ولی لسانش را تحریک نکند.

واقعا این نسخه تهذیب را چه جور آقای بروجردی به آن بهاء داده، خلاف نص کلام شیخ طوسی است. شیخ طوسی توجیه که می کند این جوری می گوید، می گوید و اما روایة علی بن جعفر فلیست منافیة للروایة الاولى (روایت اولی این بود که تسمع نفسک) لان هذا محمول علی من کان مع قوم لایقتدی بهم و یخاف من اسماع نفسه القراءة و یدل علی ذلک روایة محمد بن ابی حمزة یجزیک من القراءة معهم مثل حدیث النفس. از این روایت شبیه حدیث النفس فهمیده. نمی خواهیم بگوییم این توجیه شیخ طوسی نص است در ابطال این نسخه ای که آقای بروجردی نقل می کند چون شیخ طوسی همان من غیر ان تسمع نفسه را هم می خواهد انکار کند می گوید این باید حمل بر تقیه بشود، حمل بشود بر نماز با عامه، و الا نمازی که خود انسان می خواند یسمع نفسه لازم است، ولی ما عرض مان این است که با این شاهی که ذکر کرد یجزیک من القراءة معهم مثل حدیث النفس این نشان می دهد که اصلا از این روایت هم همین را فهمیده که در حدیث النفس تحریک لسان نمی شود. در قرب الاسناد هم روایت عبدالله بن الحسن است صفحه ۲۰۳ می گوید الرجل یقرأ فی صلاته هل یجزیه ان لایحرک لسانه و ان یتوهم توهمما قال لا بأس. خود یتوهم توهمما هم انصافا یعنی لایحرک لسانه، چون فقط توهم، فقط اخطار به قلب.

و لذا نسخه صحیحہ همان لا بأس لایحرک لسانه یتوهم توهمما هست. یا باید حمل بر نماز با عامه کنیم یا طرح کنیم این روایت چون خلاف کتاب است. قرآن می گوید اقرا، و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها، مخافته جایز نیست در نماز، مخافته همین است دیگر، مخافته در روایت داریم ما دون سمعک، جوری بخوانی که خودت نشونی که اصلا گفتیم عرفا قرائت هم صدق نمی کند. آن وقت این روایت می شود مخالف کتاب مگر توجیه شیخ طوسی را قبول کنیم.

مسأله ۲۸: صوت خارج از معتاد

مسأله ۲۸: لایجوز من الجهر ما کان مفراطا خارجا عن المعتاد کالصیاح فان فعل فالظاهر البطلان. داد کشیدن در نماز مبطل نماز است. البته داد زدن مربوط به نماز نباشد اشکال ندارد، داد می زند الله اکبر برای این که بگوید مواظب بچه باش، یا خانمش می گوید پول بده بروم خرید این هم می خواهد بگوید پول ندارم همان وسط نماز می گوید الله اکبر. مربوط به نماز می گوید نمازت را نباید رفع شدید صوت بکنی، داد نکش. دلیلش موثقه سماعه است.

[سؤال: ... جواب:] میزانش همین است، مفرط خارج از متعارف. کالصیاح، داد زدن. در موثقه سماعه دارد سألته عن قول الله عز و جل و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها قال المخافته ما دون سمعک و الجهر ان ترفع صوتک شدیداً. قرآن می گوید و ابتغ بین ذلک سبیلاً.

شنیدم مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری احتمال دادند و ابتغ بین ذلک سبیلا انحلالی است، یعنی در جهر هم جهر متوسط، اخفات هم اخفات متوسط، یعنی اخفات هم اخفات ضعیف نباشد. این خلاف ظاهر است. و ابتغ بین ذلک سبیلا یعنی ابتغ بین الجهر و الاخفات سبیلا. جهر را موثقه سماعه معنا می کند رفع الشدید للصوت، در این آیه مراد این است. مخافته هم ما دون سمعک، بین این ها باشد.

صحیحہ عبدالله بن سنان هم راجع به امام جماعت دارد: علی الامام ان یسمع من خلفه و ان کثروا، مستحب است امام جوری نماز بخواند که مامومین و لو زیاد باشند بشوند، این سؤالی است که عبدالله بن سنان از امام می کند، می گوید قلت لابی عبدالله علیه السلام علی الامام ان یسمع من خلفه و ان کثروا؟ فقال لیقرأ قراءة وسطا. اشکال ندارد مستحب است اسماع، یسمع من خلفه ما یقول، ولی قرائتش قرائت وسط باشد نه جهر عالی. یقول الله تبارک و تعالی و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها. [سؤال: ... جواب:] امام فرمود لیقرأ قراءة وسطا یعنی بیشتر از این نباشد. ظاهرش به آیه هم تمسک می کند یعنی [این یک حکم استحبابی نیست بلکه] نباید رفع عالی صوت بکند. حالا موثقه سماعه که بود، کافی است.

اختلافی هم در این مسأله گفتند نیست. مواظب باشید فقط حمد و سوره هم نیست، ذکر رکوع ذکر سجود تشهد، هیچ کدام را با صوت عالی نخوانید. امام جماعت ها گاهی مبتلا می شوند به این مسأله. می گویند ما می رویم نماز می خوانیم، مثلاً نماز غفیله می گویند بخوان ما به شما اقتداء نمی کنیم ولی می خواهیم شما بخوانید تا ما هم مثل شما بخوانیم، یا نماز آیات، بلد نیستند خیلی ها، امام جماعت مجبور است با صدای بلند بخواند همه بشنوند، لاترفع صوتک شدیداً و الا نماز خودت باطل می شود. [سؤال: ... جواب:] داد زدن این نیست که حنجره را پاره کند. الان شما به یکی می گویی چرا داد می زنی. ندیدی خانمی به آقایاش می گوید چرا داد می کشی، معمولی حرف بزنی. ... من جسارت به آقا نکردم، خودم هم خجالت می کشم داد بزنم تا معیار داد زدن معلوم بشود!! بستگی به آن مستشکل بدشانس دارد که داد بکشیم سرش!! ... داد زدن تعریف خوبی کرد مفرطاً خارج عن المعتاد. همان دیگر، داد زدن است دیگر، صیاح، داد کشیدن. داد کشیدن با داد زدن فرق می کند!! و الحمد لله رب العالمین.